

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع چین سوسیالیستی

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: طاهر باختری

۰۷ جون ۲۰۲۰

از مهار تا رویارویی: تهاجم امریکا برای جنگ با چین



کارلوس مارتینز، یکی از دبیران «دوستان سوسیالیست چین»، در مقاله خود توضیح می‌دهد که چگونه جنگ سرد جدید به رهبری امریکا علیه چین رو به شکست است. با وجود تلاش‌های گسترده برای مهار رشد چین – از طریق تعرفه‌ها، تحریم‌ها، و تلاش برای جداسازی اقتصادی – چین همچنان به رشد اقتصادی و فناوری خود ادامه می‌دهد. این کشور اکنون در زمینه‌های متعددی از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروهای برقی، و تولیدات پیشرفته، در سطح جهانی پیش‌تاز است. نفوذ جهانی چین نیز در حال گسترش است، که حضور پررنگ آن در بریکس، ابتکار «کمربند و جاده»، و جایگاهش به عنوان بزرگترین شریک تجاری برای سه چهارم کشورهای جهان گواه این مدعاست.

نتایج معکوس تحریم‌های غرب

تحریم‌ها و تعرفه‌های غرب به‌وضوح نتیجه معکوس داشته و به جای تضعیف صنایع داخلی چین، آن‌ها را تقویت کرده است.

با این حال، کارلوس هشدار می‌دهد که شکست روش‌های «سرد» می‌تواند به سمت رویارویی نظامی مستقیم سوق پیدا کند. این مقاله، تایوان را محتمل‌ترین نقطه درگیری معرفی می‌کند، زیرا امریکا فروش تسلیحات به این جزیره را

افزایش داده و استقرار نظامی خود را در منطقه شدت بخشیده است. در دو دهه گذشته، دولت‌های متوالی امریکا، چه دموکرات و چه جمهوریخواه، سیاست «چین واحد» را تضعیف کرده و احساسات جدائی‌طلبانه را، برخلاف قوانین بین‌المللی، دامن زده‌اند.

آمادگی‌های نظامی برای جنگ

آمادگی‌های نظامی، از جمله توافق امنیتی آکوس (AUKUS)، تسلیح مجدد جاپان، و پایگاه‌های جدید امریکا در فیلیپین، نشان‌دهنده اجماع فزاینده هر دو حزب در واشنگتن به نفع برنامه‌ریزی برای جنگ است. همه این‌ها به تسریع آمادگی‌ها برای جنگ با چین منجر می‌شود – جنگی با هدف برچیدن سوسیالیسم چینی، استقرار یک رژیم وابسته (یا مجموعه‌ای از رژیم‌ها)، خصوصی‌سازی اقتصاد چین، عقب‌گرد دستاوردهای فوق‌العاده طبقه کارگر و دهقانان چینی، و جایگزینی رفاه عمومی با فقر عمومی. نیازی به گفتن نیست که این فاجعه نه تنها برای مردم چین، بلکه برای تمام طبقه کارگر جهانی نیز ویرانگر خواهد بود. کارلوس خواستار مخالفت قاطع با این تشدید خطرناک است.

شکست جنگ سرد جدید

«جنگ سرد» به رهبری امریکا علیه چین، آشکارا در دستیابی به اهداف خود یعنی سرکوب رشد چین و تضعیف نفوذ جهانی آن، شکست خورده است. اقتصاد چین به طور پیوسته در حال رشد است. این کشور اکنون از نظر برابری قدرت خرید (PPP) بزرگترین اقتصاد جهان است. بسیج منابع فوق‌العاده‌اش برای خروج از توسعه‌نیافتگی و تبدیل شدن به یک ابرقدرت علمی و فناوری، نتایج قابل توجهی داشته است؛ به طوری که چین در زمینه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروهای برقی، مخابرات، تولید پیشرفته و ساخت‌وساز زیرساخت‌ها، در سطح جهانی پیشتاز شده است. این کشور در زمینه کاهش فقر و توسعه پایدار، بدون شک رهبر جهانی است. تحریم‌ها بر صادرات نیمه تراشه‌ها پیشرفت چین را در محاسبات کند نکرده و حتی اثر کاتالیزوری بر صنعت تراشه داخلی آن داشته است. موفقیت چشمگیر مدل زبان بزرگ منبع باز DeepSeek R1 نشان می‌دهد که امریکا دیگر نمی‌تواند رهبری خود را در حوزه دیجیتال بدیهی بداند. در همین حال، تلاش‌های غرب برای «جدائی» از چین نیز ثمره چندانی نداشته است. در حالی که تعداد انگشت‌شماری از کشورهای امپریالیست قول داده‌اند هوآوی را از زیرساخت‌های شبکه خود حذف کنند و تحریم‌ها بر خودروهای برقی چینی به این معنی است که مصرف‌کنندگان در غرب باید مبالغه‌گرافی برای خودروهایی با کیفیت پایین‌تر بپردازند، اما یکپارچگی و همکاری متقابل سودمند چین با جهان همچنان در حال گسترش است. چین بزرگترین شریک تجاری تقریباً دو سوم کشورهای جهان است. بیش از ۱۵۰ کشور به ابتکار «کمربند و جاده» پیوسته‌اند. چین در مرکز بریکس و سازمان همکاری شانگهای قرار دارد.

نقش تعرفه‌های ترامپ

هدف تعرفه‌های ترامپ این بود که چین را مجبور به پذیرش شرایط تجاری امریکا کند و کشورهای دیگر را وادار سازد که به‌طور واضح به اردوگاه اقتصادی و ژئوپلیتیک واشنگتن بپیوندند و بدین ترتیب چین را منزوی کنند. هیچ یک از

این اتفاقات رخ نداده است. حتی اتحادیه اروپا که معمولاً تابع است، این تعرفه‌ها را محکوم کرده و قصد خود را برای گسترش تجارت با چین اعلام کرده است.

به طور خلاصه، «پروژه قرن جدید امریکا» بخوبی پیش نمی‌رود. زیگنیو برژینسکی در کتاب معروف خود، «صفحه شطرنج بزرگ: برتری امریکا و الزامات ژئواستراتژیک آن» (۱۹۹۷)، نوشت که «خطرناکترین سناریو، یک ائتلاف بزرگ از چین، روسیه و شاید ایران خواهد بود، یک ائتلاف «ضد هژمونی» که نه بر اساس ایدئولوژی، بلکه بر اساس نارضایتی‌های مکمل متحد شده‌اند.» دقیقاً چنین ائتلاف ضد هژمونی وجود دارد و در حال متحد کردن کشورهای آسیا، آفریقا، امریکای لاتین، کارائیب و اقیانوسیه در پروژه ساخت یک آینده چندقطبی است، و بدین ترتیب مشکل اساسی برای به اصطلاح «نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین» که بر اصول یک‌جانبه‌گرایی، جنگ، بی‌ثبات‌سازی، اجبار و تبادل نابرابر استوار است، ایجاد می‌کند.

از جنگ سرد به جنگ داغ؟

تا اینجا همه چیز مثبت است. اما نباید فراموش کنیم که «جنگ ادامه سیاست با ابزارهای دیگر است». اگر سیاست‌های امپریالیستی تأثیر مورد نظر خود را نداشته باشند، خطر بسیار واقعی وجود دارد که طبقه حاکم امریکا و وابستگانش برای پیگیری جامطلبی‌های هژمونیک خود، به جنگ تمام‌عیار روی آورند.

مائو تسه تونگ گفت: «قدرت سیاسی از لوله تفنگ نشأت می‌گیرد.» و در حالی که سلطه اقتصادی امریکا ممکن است رو به افول باشد، اما همچنان سلاح‌های زیادی برای اعمال قدرت سیاسی در اختیار دارد. دونالد ترامپ اخیراً در کنار بنیامین نتانیاهو، صدراعظم متجاوز، در کاخ سفید اعلام کرد که بودجه بعدی امریکا یک تریلیون دلار بی‌سابقه به ارتش اختصاص خواهد داد. این مبلغ بیش از سه برابر هزینه نظامی چین و تقریباً ده برابر هزینه نظامی روسیه است. در همین حال، امریکا بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی خارجی، ذخیره حدود ۵۵۰۰ کلاهک هسته‌ای و استقرارهای گسترده نیروها و تسلیحات در سراسر جهان دارد که به طور فزاینده‌ای در نزدیکی چین متمرکز شده‌اند.

تایوان؛ ماشه آغاز جنگ

نقطه اشتعال برای یک حمله نظامی علیه چین به احتمال زیاد استان تایوان خواهد بود، سرزمینی که مدت‌هاست جایگاه ویژه‌ای در کمپین محاصره امریکا به خود اختصاص داده است.

تایوان قرن‌ها پیش بخشی از چین بوده است. این جزیره در سال ۱۸۹۵ به تصرف جاپان درآمد و در پایان جنگ جهانی دوم، طبق توافق کنفرانس پوتسدام، به کنترل چین بازگشت. نیروهای کومینتانگ چیانگ کای‌شک که در جنگ داخلی چین (۱۹۴۹-۱۹۴۶) شکست خوردند، به تایوان گریختند و این جزیره را «جمهوری واقعی چین» اعلام کردند. این جزیره به سرعت به جمهوری خلق چین ملحق می‌شد، اگر دولت ترومن در سال ۱۹۵۰ ناوگان هفتم نیروی بحری امریکا را در تنگه تایوان مستقر نمی‌کرد؛ با این حساب که کنترل دو فاکتوی امریکا مزایای استراتژیک قابل توجهی را به همراه خواهد داشت، از جمله توانایی حفظ تهدید هسته‌ای دائمی علیه چین، اتحاد جماهیر شوروی و کوریای شمالی.

به گفته ژنرال داگلاس مک‌آرتور، جنگ‌افروز جنایتکار، تایوان قرار بود به «ناو هواپیما بر غرق‌نشدنی» امریکا در منطقه و سنگ بنای استراتژی «زنجیره جزایر اول» آن تبدیل شود – مجموعه‌ای از پایگاه‌های نظامی، تسلیحات و نیروهائی که به طور خاص برای مهار و محاصره جمهوری خلق چین مستقر شده‌اند.

تضعیف اصل «چین واحد»

طبق بیانیه شانگهای که در سال ۱۹۷۲، در آخرین شب سفر تاریخی ریچارد نیکسون به چین صادر شد، ایالات متحده «تأیید می‌کند که همه چینی‌ها در دو سوی تنگه تایوان معتقدند تنها یک چین وجود دارد و تایوان بخشی از چین است. دولت ایالات متحده این موضع را زیر سؤال نمی‌برد.» بدین ترتیب، امریکا - به همراه ۱۸۰ کشور دیگر - از اصل «چین واحد» حمایت کرده و جمهوری خلق چین را به عنوان تنها دولت قانونی نماینده کل چین به رسمیت می‌شناسد. با این حال، امریکا روابط اقتصادی و نظامی نزدیکی با تایوان را حفظ کرده و در روابط خود با این جزیره، موضع «ابهام ستراتیژیک» را اتخاذ می‌کند.

در سال‌های اخیر، واشنگتن در تلاش برای تحریک درگیری و تضعیف چین، حمایت خود را از جدائی‌طلبان تایوانی افزایش داده و عرضه تسلیحات به دولت در تایپه را شدت بخشیده است.

اجماع دوحزبی بر سر تشدید تنش

جو بایدن بارها - با نقض آشکار تعهدات امریکا و بدون هیچ مبنائی در قوانین بین‌المللی - اعلام کرده است که اگر چین بخواهد برای تغییر وضعیت موجود تایوان از زور استفاده کند، امریکا مداخله نظامی خواهد کرد. در سال ۲۰۲۳، بایدن برای اولین بار کمک نظامی مستقیم امریکا به تایوان را امضاء کرد، به طوری که مقاله‌ای در بی‌بی‌سی اشاره کرد که «امریکا بی‌سروصدا در حال مسلح کردن تمام‌عیار تایوان است.» سفر نانسی پلوسی، رئیس وقت مجلس نمایندگان، به تایپه در سال ۲۰۲۲، بالاترین سطح بازدید مقامات امریکائی از این جزیره در ربع قرن اخیر بود.

در جنوری ۲۰۲۳، جنرال مایک مینیهان از نیروی هوائی امریکا، یادداشتی را به افسران تحت فرماندهی خود ارسال کرد که در آن آمده بود «حس درونی‌ام به من می‌گوید» که در سال ۲۰۲۵ جنگی بین امریکا و چین در خواهد گرفت و ماشه آن جنگ، تایوان خواهد بود. این یادداشت از نیروهای مسلح امریکا می‌خواهد که «در هر لحظه برای استقرار آماده باشند» تا وارد جنگی در تنگه تایوان شده و «چین را شکست دهند».

جمهوری‌خواهان نیز در این موضوع کمتر جنگ‌طلب نیستند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ترمپ از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱، در سال ۲۰۲۲ گفت: «دولت ایالات متحده باید فوراً گام‌های لازم و بسیار دیرینه‌ای را برای انجام کار درست و واضح بردارد: یعنی به جمهوری چین، تایوان، به عنوان یک کشور آزاد و مستقل، شناسائی دیپلماتیک امریکا را ارائه دهد.»

کابینه جدید ترمپ مملو از تندروهای سرشناس ضد چینی مانند مارکو روبیو (وزیر امور خارجه)، پیت هگست (وزیر دفاع)، مایک والتز (مشاور امنیت ملی) و پیتر ناوارو (مشاور ارشد تجارت و تولید) است.

یادداشت راهنمای داخلی که توسط هگست در ماه مارچ منتشر شد، از ارتش امریکا می‌خواهد که «مهار تصرف تایوان توسط چین و تقویت دفاع از میهن را در اولویت قرار دهد.» گزارشی در واشنگتن پست بیان می‌کند که این سند «به طور گسترده و گاهی با جزئیات حزبی، اجرای دیدگاه رئیس‌جمهور دونالد ترمپ را برای آماده شدن و پیروزی در یک جنگ احتمالی علیه بیجینگ ترسیم می‌کند.» ضمناً، این یادداشت زمینه مفیدی را برای اقدامات رژیم ترمپ برای خروج از درگیری اوکراین فراهم می‌کند: از آنجائی که «چین تنها تهدید اصلی وزارت دفاع است»، «تهدید از جانب مسکو» باید «عمدتاً توسط متحدان اروپائی مدیریت شود.» به عبارت دیگر، ستراتیژی امریکا تکرار و تعمیق «چرخش به آسیا»ی اوباما و کلینتن است.

این تشدید تنش‌ها بر سر تایوان توسط دولت‌های متوالی امریکا، ارتباط تنگاتنگی با ایجاد پیمان هسته‌ای آکوس (AUKUS) بین امریکا، بریتانیا و استرالیا، و همچنین با تشویق امریکا به بازتسلیح جاپان و تأسیس چهار پایگاه نظامی جدید امریکا در فیلیپین دارد – «قطعه‌ای کلیدی از املاک و مستغلات که طبق گزارش بی‌بی‌سی، صندلی ردیف اول را برای نظارت بر چینی‌ها در بحیره چین جنوبی و اطراف تایوان ارائه می‌دهد.»

همه این‌ها به تسریع آمادگی‌ها برای جنگ با چین منجر می‌شود – جنگی با هدف برچیدن سوسیالیسم چینی، استقرار یک رژیم وابسته (یا مجموعه‌ای از رژیم‌ها)، خصوصی‌سازی اقتصاد چین، عقب‌گرد دستاوردهای فوق‌العاده طبقه کارگر و دهقانان چینی، و جایگزینی رفاه عمومی با فقر عمومی. ناگفته پیداست که این فاجعه نه تنها برای مردم چین، بلکه برای کل طبقه کارگر جهانی نیز ویرانگر خواهد بود.

مقابله با این تهاجم به سوی جنگ علیه چین باید قاطعانه صورت گیرد.